

Reflection on the Relationship between Education and Child Rights*Amene Aali¹***Abstract**

The wide range of legal implications of the International Convention on the Rights of the Child (CRC) have made it closely linked to various child-related social institutions and activities. One of the most important institutions or social activities that most children are exposed to on a daily basis is education, which is important in examining its relationship to children's rights. Accordingly, this paper presents an interpretative model of the multiple relationship between the education system and CRC with an overview of theoretical texts and research reports in the literature on child rights and implications for evaluating school performance from the child rights perspective. According to the results of this study, there is a three-way relationship between education and children's rights: education is a child's right; school is a tool for observing children's rights; and education is a subject of children's rights monitoring. The third aspect of this relationship emphasizes the need to evaluate school performance from a child rights perspective. Among the 41 articles on CRC, the right to participate, non-discrimination, defense and litigation, protection of violence, the best interests, privacy, freedom of expression, and security are fundamental rights that can be used as criteria for assessing The school's performance is in observance of children's rights and in compliance with CRC.

Keywords

Child Rights, Education, School Performance

1. Assistant Professor of Educational Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Email: a.aali@atu.ac.ir

Original Article Received: 12 September 2019 Accepted: 1 November 2019

Please cite this article as: Aali A. Reflection on the Relationship between Education and Child Rights. Child Rights J 2019; 1(3): 55-69.

تأملی بر نسبت آموزش و پرورش و حقوق کودک

آمنه عالی^۱

چکیده

گسترده‌ی مضامین حقوقی مطرح‌شده در پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق کودک موجب ارتباط تنگاتنگ آن با نهادها و فعالیت‌های مختلف اجتماعی مرتبط با کودک شده است، از جمله مهم‌ترین نهاد یا فعالیت اجتماعی که اغلب کودکان تقریباً همه روزه با آن مواجهه متقابل دارند، آموزش و پرورش است که بررسی ارتباط آن با حقوق کودک اهمیت دارد. بر این اساس در مقاله حاضر، با مروری تحلیلی بر متون نظری و گزارش‌های پژوهشی موجود در ادبیات حوزه حقوق کودک، الگویی تفسیری از نسبت چندگانه بین نظام آموزش و پرورش و پیمان‌نامه حقوق کودک ارائه و دلالت‌هایی برای ارزیابی عملکرد مدرسه از چشم‌انداز حقوق کودک استنباط شده است. طبق نتایج این بررسی، بین آموزش و پرورش و حقوق کودک ارتباطی سه وجهی برقرار است: آموزش و پرورش حق کودک است؛ آموزش مدرسه‌ای ابزار تأمین حقوق کودک است؛ آموزش و پرورش موضوع پایش حقوق کودک است. سومین وجه این ارتباط، تأکیدی است بر لزوم ارزیابی عملکرد مدرسه از چشم‌انداز حقوق کودک. از بین ۴۱ ماده مربوط به حقوق کودک در پیمان‌نامه، حق مشارکت، عدم تبعیض، دفاع و دادرسی، حفاظت از خشونت، رعایت منافع عالی، حریم خصوصی، آزادی بیان و امنیت، از جمله حقوق اساسی هستند که می‌توانند معیار ارزیابی عملکرد آموزش و پرورش و به طور خاص، مدرسه در رعایت حقوق کودک و عمل به پیمان‌نامه بین‌المللی باشند.

واژگان کلیدی

حقوق کودک، آموزش و پرورش، عملکرد مدرسه

۱. استادیار روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
Email: amene.aali@gmail.com

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۶/۲۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۸/۱۰

مقدمه

حقوق کودک ایده نسبتاً جدیدی است؛ کودکان در طول تاریخ بشر از هیچ حق قانونی بهره‌مند نبودند و به عنوان املاک شخصی والدین به حساب می‌آمدند (۱). در طی قرن ۱۹، مفهوم‌سازی کودکی به عنوان یک دوره منحصر به فرد، با تلاش برای حمایت و تأمین حقوق کودک همراه شد. با این حال، این شناخت اولیه از حقوق کودک مبتنی بر این پیش‌فرض بود که کودک موجودی منفعل، ضعیف و آسیب‌پذیر است و در درجه اول نیاز به حفاظت دارد (۲). در طول این دوره، کودکان، انسان‌هایی بالقوه به حساب می‌آمدند نه یک انسان کامل با اراده آزاد و حقوق شناخته‌شده (۳).

در نیمه دوم قرن ۲۰، بر اساس این ادعا که کودکان اشخاص قانونی هستند و حقوق مشابه بزرگسالان دارند، تمرکز حقوق کودک از حق حفاظت و تأمین به حق مشارکت و خودتعیین‌گری (Self-Determination) تغییر کرد (۴). توجه به حق خودتعیین‌گری کودکان منجر به جنبش جهانی در راستای افزایش مشارکت کودکان در تصمیمات مؤثر بر زندگی‌شان شد (۵). در نهایت، بازتاب این افزایش آگاهی‌ها، تصویب پیمان‌نامه حقوق کودک توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۹ بود و ۱۹۳ کشور شناخته‌شده دنیا به آن پیوستند، از جمله ایران که در سال ۱۳۷۲ طی ماده واحده‌ای به شرط عدم مغایرت مفاد آن سند با موازین شرعی و حقوقی داخلی به آن پیوست.

در این پیمان‌نامه که مقبول‌ترین سند حقوق بشر در طول تاریخ است، نه تنها حقوق کودک برای حفاظت از صدمه، سوءرفتار، تأمین نیازها و ارائه خدمات تأیید شده، بلکه حق رشد به عنوان یک فرد مستقل و داشتن حق اظهار نظر در موضوعات مربوط به خود نیز به رسمیت شناخته شده است (۳). در واقع پیمان‌نامه برای کودکان شأن ایجاد کرده به جای مالکیت (۶). در آن تأکید شده که کودک یک موجود انسانی است و حق دارد دیدگاه و مقاصد شخصی‌اش، به عنوان یک فرد منحصر به فرد، توسط دولت‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات مورد احترام قرار گیرد (۷).

پیمان‌نامه حقوق کودک دارای یک مقدمه و ۵۴ ماده است که ۴۱ ماده آن حقوق کودک را بیان می‌کند و ۱۳ ماده دیگر درباره شاخص‌های اجرای آن در کشورهاست که تصویب آن زمینه‌ساز توجه گسترده پژوهشگران به حوزه حقوق کودک در چند دهه اخیر شده است، به طوری که امروزه، انجام کاری در زمینه کودکان بدون توجه به پیمان‌نامه تقریباً غیر قابل تصور است (۸). گستردگی مضامین حقوقی مطرح‌شده در پیمان‌نامه نیز موجب ارتباط تنگاتنگ آن با نهادها و فعالیت‌های مختلف اجتماعی مرتبط با کودک شده است، از جمله مهم‌ترین نهاد یا فعالیت اجتماعی که اغلب کودکان تقریباً همه روزه با آن مواجهه متقابل دارند، آموزش و پرورش است که بررسی ارتباط آن با حقوق کودک اهمیت دارد.

امروزه، توسعه صنعت جهانی حقوق کودک مستلزم فعالیت علمی جدی در زمینه تحلیل نسبت بین فرایند تربیت مدرسه‌ای، که مشخصه کودکی در جوامع مدرن بعد از قرن ۱۹ است و حقوق کودک می‌باشد، لذا در نقطه شروع پژوهش در این حوزه دو پرسش اساسی مطرح است: ۱- چه ارتباطی بین آموزش و پرورش و حقوق کودک برقرار است؟ ۲- تأمین کدامیک از حقوق کودک به آموزش و پرورش وابسته است؟ در ادامه سعی شده با مروری تحلیلی بر مبانی نظری و پژوهشی مرتبط با موضوع، این دو سؤال، پاسخ داده شوند.

مرور مبانی نظری و پژوهشی

۱- آموزش و پرورش و حقوق کودک

با مروری بر ادبیات حقوق کودک، ارتباطی سه وجهی بین این دو می‌توان ترسیم کرد: از یکسو، آموزش، حق کودک است. پیمان‌نامه ارزش زیادی برای آموزش قائل است؛ طبق ماده ۲۸ همه کودکان حق برخورداری از آموزش مداوم و برابر دارند و دولت‌ها باید این حق را به رسمیت بشناسند. آموزش مدرسه‌ای زمینه‌ساز رشد مطلوب فرد در ابعاد مختلف شناختی، اجتماعی و رفتاری و همچنین یادگیری دانش و

مهارت‌های ضروری است (۹). به همین دلیل، می‌تواند همبستگی بین فرصت‌ها و کیفیت زندگی کودکان با درآمد و عملکرد والدینشان را به حداقل برساند، اما در مقابل، فراهم‌نکردن فرصت برابر آموزش برای همه، نقض آشکار حقوق بشر درباره کودکان است. به طور مثال، نرخ ثبت نام در مدارس و دانشگاه‌های آمریکا برای افراد با توانایی شناختی کم، اما از خانواده‌های با درآمد زیاد بیشتر است از افرادی با توانایی زیاد و از خانواده‌ای با درآمد کم. به عبارتی، طبق این گزارش، توانایی کودکان با میزان پیشرفت در تحصیل همبستگی مثبت ندارد. این نقض حقوق کودک در اغلب کشورها مشهود است، زیرا سیستم آموزش عمومی از عهده تأمین نیاز همه کودکان بر نمی‌آید، لذا پیشرفت کودکان به تأمین هزینه‌های تحصیلی توسط والدین وابسته می‌شود (۱۰).

از سوی دیگر، آموزش مدرسه‌ای ابزار تأمین حقوق کودک است، به دنبال تغییر بنیادین و چشم‌گیری که در اغلب کشورها در قرن ۲۱ رخ داد، آموزش و پرورش نه صرفاً به عنوان یک حق، بلکه به مثابه ابزاری برای تأمین حقوق و بهزیستی کودکان مورد توجه واقع شد که دیگر نباید مانند گذشته ابزاری برای کنترل اجتماعی باشد (۱۱).

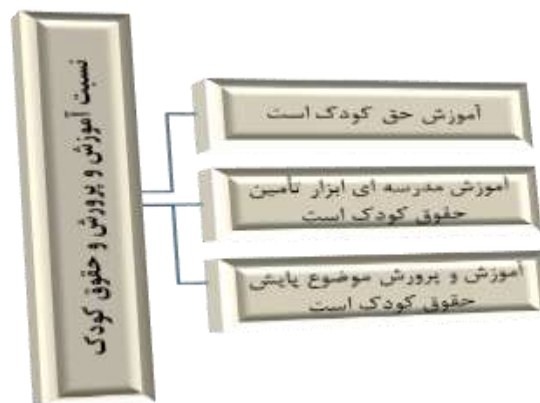
پیروی از پیمان‌نامه مستلزم تغییر اساسی در مفهوم و سپس رفتار حمایت از کودکان است؛ تغییر در جهت فرصت‌دادن و تسهیل کردن خودتعیین‌گری کودکان و احترام به خودمختاری و حریم خصوصی (۱۲).

هرچند حفاظت و مراقبت امری ضروری برای کودکان است، اما ارزش‌های ذاتی جامعه دموکرات خواستار خودتعیین‌گری، خودمختاری و شأن است و مؤسسات تربیتی باید نهایت توان خود را صرف تأمین آن‌ها کنند. در این بین، حق تأمین، حق حفاظت و حق مشارکت، قطعاً آموزش و پرورش را در خط مقدم تأمین حقوق کودک قرار می‌دهد، زیرا آموزش و پرورش غالباً ابزاری برای کسب آن‌هاست (۱۳). مأموریت اصلی مدارس تأمین نیازهای منحصر به فرد رشد کودک (۱۴)، تضمین بهزیستی و رفاه، به معنای تحقق استعدادها و توانایی‌های بالقوه کودکان (۱۴) و رفع تبعیض از طریق ایجاد فرصت

برابر بهره‌مندی از آموزش، بدون در نظر گرفتن جنسیت، رنگ، نژاد، ملیت کودکان و موقعیت خانوادگی آنهاست (۱۱).

در نهایت، در سومین وجه این ارتباط، آموزش و پرورش موضوعی است برای پایش حقوق کودک. با این نگاه، حقوق کودک مقیاسی برای ارزیابی فرایندهای جاری مدرسه است. همانقدر که رفتن به مدرسه یک حق برای هر کودکی است و مدرسه می‌تواند تأمین‌کننده حقوق کودک باشد، می‌تواند ناقض حقوق هم باشد. مطالعه سومین وجه ارتباط آموزش و حقوق کودک یک اولویت در پژوهش‌های معاصر حوزه کودکی است، زیرا در ابتدای امر باید از صحت و سلامت آموزش مطمئن شد، سپس آن را حق همه کودکان دانست و به عنوان نسخه‌ای رهایی بخش برای بهزیستی کودکان تجویز کرد و انتظار تأمین حقوق کودکان از طریق آن را داشت.

آمنه عالی



۲- حقوق کودک در آموزش و پرورش

آیا حقوق کودک در مدرسه نقض می‌شود؟ در طول تاریخ، آموزش و پرورش وسیله‌ای برای کنترل کودکان، هنجارکردن و به نظم درآوردن آنها و ضرورتاً تضمین پیوند آنها با فرهنگ مسلط جامعه بوده است. متولیان مدرسه همیشه تعیین می‌کنند که کودکان

چه بخوانند یا چه نخوانند، چه چیز را در چه زمانی یاد بگیرند و چگونه رفتار کنند، که این حد از تعیین‌گری در نظام آموزشی باعث بروز تعارض بین به نظم درآوردن کودکان و تأمین حق آن‌ها برای رشد و استقلال است. هنگامی که مربیان در مورد مسائل مربوط به کودکان یک‌طرفه تصمیم می‌گیرند، حق اظهار نظر و مشارکت کودکان را نادیده می‌گیرند (۶).

پژوهش‌های معاصر گزارش‌های نگران‌کننده‌ای در زمینه تأمین حقوق کودک در مدرسه منتشر کرده‌اند. به عنوان مثال:

- نگرانی درباره خشونت مدرسه‌ای باعث شده اغلب مدارس برای برقراری امنیت و حفاظت، سیاست‌ها و ابزار امنیتی تدارک ببینند که حقوق دانش‌آموزان در زمینه حریم شخصی، آزادی فردی، حق اظهار نظر و دادرسی را تهدید می‌کند (۱۵). این در حالی است که هیچ مطالعه‌ای تا به امروز رابطه علمی بین این روش‌های امنیتی خاص و کاهش خشونت در مدرسه را نشان نداده است (۱۶)، حتی ممکن است فعالیت‌های انضباطی تنبیهی و خشن غیر ضروری در برابر دانش‌آموزان خطاکار به کار بسته شود که خود محرک خشونت مدرسه‌ای باشد (۱۷).

- کنترل بیش از حد بر دانش‌آموزان به منظور ایجاد محیط مناسب و امن، موجب نادیده‌گرفتن حق استقلال و خودمختاری دانش‌آموزان می‌شود. همچنین تعیین معیارهای رفتاری سرسختانه و انعطاف‌ناپذیر برای پذیرفته‌شدن کودک در جامعه مدرسه و برقراری سیستم‌های رقابتی به گونه‌ای که مانع از موفقیت اکثریت دانش‌آموزان و تضعیف خودپنداره آنان می‌شود نیز تهدیدی برای حق رشد و برابری خواهد بود (۱۸).

- اقدامات تنبیهی که یکی از رایج‌ترین شیوه‌های مقابله با بدرفتاری دانش‌آموزان است نیز، اثر بلندمدتی بر سلامت کودکان خواهد داشت. سه آسیب احتمالی اقدامات رایج انضباطی عبارتند از: آسیب روان‌شناختی، آسیب آموزشی، آسیب جسمی. دانش‌آموزانی که تحت روش‌های تهدیدآمیز و سخت‌گیرانه هستند، به احتمال زیاد فاقد انگیزه تحصیلی می‌شوند و عاطفه منفی نسبت به مواد درسی در آن‌ها شکل می‌گیرد و این یعنی آسیب روان‌شناختی. از سویی دیگر، پرخاشگری مربیان نسبت به دانش‌آموزان

باعث تشدید بدرفتاری آنان و افزایش احتمال تکنیک‌های محروم‌سازی مانند اخراج از کلاس، تعلیق از مدرسه و در واقع از دست‌دادن فرصت برای آموزش بیشتر و اشتغال آینده می‌شود که یک آسیب آموزشی گسترده است. همچنین کاربرد تنبیه بدنی و خشونت احتمال آسیب جسمانی را همیشه به همراه دارد (۱۹).

- راهبرهای محروم‌سازی، تعلیق موقت و اخراج از مدرسه که عموماً برای دانش‌آموزان پرخطر و بسیار بدرفتار و گاهی نیز برای بدرفتاری‌های جزئی و نقض قوانین معمول کلاسی اعمال می‌شود، هرچند که به ظاهر برای ایجاد فضای امن در کلاس و مدرسه به کار گرفته می‌شود، حقوق کودک برای بر خورداری از آموزش را تهدید می‌کند (۱۵).

علی‌رغم این که پژوهش‌های خارجی مرتبط با حوزه حقوق کودک و نظام آموزشی در کشورهای توسعه‌یافته قدمت و گستردگی و تنوع بسیار دارد و سال‌هاست پژوهشگران تعلیم و تربیت و حقوق بشر مسائل متعددی را از زوایای مختلف بررسی کرده‌اند، می‌توان گفت پیشینه پژوهشی مربوط به حقوق کودک در نظام آموزشی، طبق جستجوهای انجام‌گرفته در پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف، بسیار ناچیز است و کم‌تر با نظام آموزشی آن هم از زاویه نقد و ارزیابی مرتبط است.

به منظور هدایت مباحث نظری و پژوهش‌های آینده در حوزه ارزیابی عملکرد مدرسه از چشم‌انداز حقوق کودک، شناخت حقوق مرتبط با مدرسه و به طور کل نظام آموزشی، اولین و اساسی‌ترین گام است. به گزارش یونیسف (۲۰)، مواد ۱ تا ۴۱ پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق کودک را می‌توان در سه مقوله کلی جای داد (جدول ۱). در الگوی یونیسف مقوله چهارمی هم به طور جداگانه تعریف شده، به نام اصول راهنما (GP: Guiding Principles) که شامل مواد ۱، ۲، ۳، ۶ و ۱۲ از پیمان‌نامه می‌باشد.

تعریف هر یک از سه مقوله اصلی به شرح زیر است:

حق بقا و رشد (SD: Survival & Development): تضمین زندگی، بقا و رشد برای ارتقای توان کامل بالقوه کودک از طریق غذای کافی، پناهگاه، آب بهداشتی، آموزش رسمی، مراقبت‌های بهداشتی اولیه، اوقات فراغت و تفریحی، فعالیت‌های

فرهنگی، آگاهی درباره حقوق خود، حفاظت از کودکان معلول و آسیب‌دیده، حفاظت از کودکان پناهنده و یا اقلیت، آزادی اندیشه و مذهب.

حق حفاظت (PR: Protection Right): حفاظت از کودکان در برابر انواع صدمات، سوءاستفاده‌هایی مانند بی‌توجهی، استثمار، خشونت و ظلم، آدم‌ربایی، فروش، قاچاق کودک، کار کودکان، بازداشت و مجازات، عدالت، فرزندخواندگی، جدایی از خانواده، جنگ و درگیری مسلحانه.

حق مشارکت (PR: Participation): تضمین مشارکت‌دادن به کودکان در تحقق حقوق خود از طریق آزادی بیان عقاید و احترام گذاشتن به نظرات آن‌ها در موضوعات مربوط به زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی. تضمین حق دسترسی به اطلاعات (رسانه‌های جمعی) آزادی اجتماعی، آزادی اندیشه و دین، و رعایت حریم خصوصی.

در الگوی یونیسف دو اصل عدم تبعیض و منافع عالی‌ه کودک جزء اصول راهنما (GP) قرار گرفته است که البته اغلب پژوهشگران این دو حق را جزء مقوله‌های اصلی پیمان‌نامه می‌دانند. به عبارت دیگر پنج محور بنیادی حقوق را، منافع عالی‌ه کودک، رشد و بقا، عدم تبعیض، حفاظت، و مشارکت برمی‌شمارند (۹).

نتیجه‌گیری

تصویب پیمان‌نامه بین‌المللی، زمینه‌ساز توجه به مباحث حقوق کودک در تعیین استانداردهای عمل حرفه‌ای با کودکان بوده است، لذا امروزه، ارزیابی اقدامات نهادهای رسمی و غیر رسمی مربوط به کودک، به ویژه، نظام آموزشی و به طور خاص مدرسه، از نظر تأمین یا نقض حقوق کودک اولویت اصلی در جامعه عمل‌پوشاندن به مفاد پیمان‌نامه است. این امر مستلزم تبدیل مواد حقوقی به شاخص‌های تخصصی ارزیابی و استانداردهای عملکردی در بافت نظام آموزشی است، زیرا آگاه‌سازی دست‌اندرکاران آموزش عمومی از آسیب‌های احتمالی قوانین و اقدامات رایج در نظام آموزشی و همچنین توسعه بینش

دقیق درباره نقش مدرسه در تأمین یا تضعیف حقوق کودک، گام اول در اصلاح قوانین و برنامه‌ها و در نهایت تأمین حقوق کودک در مدرسه است.

اما تأمین کدام یک از حقوق کودک وابسته به آموزش و پرورش است و آموزش مدرسه‌ای ممکن است چه حقوقی را نقض کند؟ این پرسشی کلیدی در مطالعات معاصر حقوق کودک می‌باشد، زیرا کودکان بخش زیادی از زمان خود را در مدرسه می‌گذارند و مسلماً محیط مدرسه فرصت‌ها و تهدیدهایی برای حقوقشان فراهم می‌کند. طبق گزارش انجمن بین‌المللی روان‌شناسی مدرسه (۲۱)، تأمین حقوقی از پیمان‌نامه که مرتبط با بهزیستی روان‌شناختی، رشد و یادگیری کودک است به آموزش و پرورش وابسته است. منظور از بهزیستی، سلامت رفتاری، اخلاقی، معنوی، اجتماعی، شناختی، عاطفی و جسمی است و رشد، یعنی توسعه مطلوب فرد در ابعاد مختلف. در نهایت یادگیری، کسب مهارت‌های متنوع تفکر و زبان برای نیل پیشرفت تحصیلی است که تا حد زیادی به مدرسه مربوط است. بر این اساس، علاوه بر این که مدرسه می‌تواند در تأمین حقوق مربوط به بهزیستی، رشد و یادگیری (یعنی حق رشد، آموزش، دسترسی به اطلاعات) نقش اساسی داشته باشد، ممکن است ناقض حقوق هم باشد:

آیا نظام آموزشی بین کودکان متفاوت از لحاظ هوش و توانایی ذاتی، درآمد خانواده، و مکان زندگی، تبعیض قائل نیست و آیا به تفاوت‌ها دامن نمی‌زند؟
آیا کودکان آسیب‌دیده تربیتی در مدرسه حمایت می‌شوند یا از مدرسه اخراج می‌شوند؟

آیا در مقابل خشونت مدرسه‌ای حفاظتی برای کودک تعریف شده است؟

آیا صدای دانش‌آموز در مدرسه شنیده می‌شود؟

آیا کودکان حق مشارکت در برنامه‌ریزی درسی خود دارند؟ چقدر حق انتخاب دارند؟

آیا در اجرای قوانین انضباطی مدرسه، حقی و امکانی برای دفاع کودک از خود هست؟

آیا منافع عالیه کودک در تصمیمات مهم مربوط به زندگی در مدرسه در نظر گرفته می‌شود یا منافع مدرسه و مسئولین؟

آیا مسئولین مدرسه تعریفی برای حریم خصوصی کودکان در مدرسه دارند؟

آیا امنیت روانی کودکان در مدرسه تضمین می‌شود؟

در مجموع، می‌توان گفت حق مشارکت، عدم تبعیض، دفاع و دادرسی، حفاظت از خشونت، رعایت منافع عالیه، حریم خصوصی، آزادی بیان و امنیت، از جمله حقوق اساسی هستند که می‌توانند معیار ارزیابی عملکرد آموزش و پرورش و به طور خاص مدرسه در رعایت حقوق کودک و عمل به پیمان‌نامه بین‌المللی باشند.

جدول ۱: مؤلفه‌های حقوق کودک

ماده‌های کلی حقوق کودک	مواد مربوط به هر مقوله در پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق کودک (UNCRC)
- حق بقا و رشد (SD)	ماده‌های ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۴۲
- حق حفاظت (PR)	ماده‌های ۴، ۱۱، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱
- حق مشارکت (PA)	ماده‌های ۴، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷

References

1. Stier S. Children's rights and society's duties. *Journal of Social Issues* 1978; 34(2): 46-58.
2. Hallett C, Prout A. *Hearing the voices of children*. London, UK: Routledge; 2003.
3. Alaimo K, Klug B. *Children as equals: Exploring the rights of the child*. Landham: University Press of America; 2002.
4. Peterson-Badali M, Ruck MD. Studying children's perspectives on self-determination and nurturance rights: Issues and challenges. *Journal of Social Issues* 2008; 64(4): 749-769.
5. Cherney ID, Shing YL. Children's nurturance and self-determination rights: A crosscultural perspective. *Journal of Social Issues* 2008; 64(4): 835-856.
6. Hart SN, Prasse DP. Theme editors' comments: Children's rights and school psychology. *School Psychology Review* 1991; 20(3): 344-345.
7. Krappmann L. The weight of the child's view (Article 12 of the Convention on the Rights of the Child). *International Journal of Children's Rights* 2010; 18(4): 501-513.
8. Reynart D, Bie MB, Vandeveld S. A review of children's rights literature since the adoption of the United Nations Convention on the Rights of the Child. *Childhood* 2009; 16(4): 518-534.
9. Nastasi BK, Naser S. Child rights as a framework for advancing professional standards for practice, ethics and professional development in school psychology. *School Psychology International* 2014; 35(1): 36-49.
10. Garbarino J, Briggs A. An Approach to Assessing "Accountability" in Implementing the UN Convention on the Rights of the Child. *School Psychology International* 2014; 35(1): 29-35.
11. Kosher H, Jiang X, Ben-Arieh A, Huebner E. Advances in Children's Rights and Children's Well-Being Measurement:

Implications for School Psychologists. *School Psychology Quarterly* 2014; 29(1): 7-20.

12. Prasse DP. Children's rights and the educational enterprise: Form versus function. *School Psychology Review* 1991; 20(3): 359-368.

13. Shriberg D, Desal P. Bridging social justice and children's rights to enhance school psychology scholarship and practice. *Psychology in the Schools* 2014; 51(1): 3-14.

14. Bradshaw J, Hoelscher P, Richardson D. An index of child well-being in the European Union. *Social Indicators Research* 2007; 80(1): 133-177.

15. Bracy NL. Learning locked down: Evaluating the treatment of Students' Rights in high security school environments. Pro Quest LLC, Ph.D. Dissertation. Newark: University of Delaware; 2009.

16. Mayer MJ, Leone PE. School violence and disruption revisited: equity and safety in the school house. *Focus on Exceptional Children* 2007; 40(1): 1-28.

17. Hyman IA, Snook PA. Dangerous schools and what you can do about them. *Phi Delta Kappan* 2000; 81(7): 489-501.

18. Edwards CH. Classroom discipline and management. 5th ed. US: Wiley; 2008.

19. Sava FA. Causes and effects of teacher conflict-inducing attitudes towards pupils: A path analysis model. *Teaching and Teacher Education* 2002; 18(8): 1007-1021.

20. UNICEF. Rights under the Convention on the Rights of the Child 2011. 2019. Available at: http://www.unicef.org/crc/index_30177.html.

21. International School Psychology Association (ISPA) & Child Rights Education for Professionals (CRED-PRO). Child rights for school psychologists and other school-based mental health professionals curriculum. New Orleans, LA: School Psychology Program, Tulane University; 2010. Available at: http://www.cred-o.org/group/international_school_psychology_curriculum.